

## اعلامیه مطبوعاتی

دموکراسی؛ پاکستان را در دریایی از قرضه‌های سودی غرق خواهد کرد  
هیچ چیزی؛ جز خلافت اسلامی نمی‌تواند دست‌گدایی پاکستان و امت مسلمه را از دراز شدن به دیگران نجات دهد



(ترجمه)

رهبران پاکستان برای مردم‌شان در باره این‌که آن‌ها پاکستان را از این‌که دستش به دیگران دراز باشد، نجات خواهند داد، جز دروغ چیزی دیگری نمی‌گویند. آن‌ها کسانی‌اند که یکجا با صندوق بین‌المللی پول (IMF) کار کرده و پاکستان را در یک گودالی از قرض‌داری غرق ساخته‌اند. این در حالی‌ست که قرض خارجی پاکستان به ۸۸,۹ میلیارد دلار صعود کرده است؛ درحالی‌که پول دست‌داشته‌ای بانک دولتی پاکستان به ۱۱,۹ میلیارد دلار زوال کرده است. برعلاوه، این وام‌ها از قبیل وام‌هایی پرداخت‌نشده از دهلیز اقتصادی پاکستان و چین (CPEC) است که حالا آن‌هم بالای مبلغ مذکور علاوه می‌گردد. حالا نه تنها این‌که بودیجه پاکستان در دادن وام‌ها به مصرف می‌رسد؛ بل پاکستان از خاطر خلاص کردن بدهی‌هایش به گرفتن قرض از دیگران می‌پردازد.

تحت نظارت کامل صندوق بین‌المللی پول (IMF) و با هدیه دموکراسی، دولت پاکستان دست به گرفتن قرض‌های زیادی بر اساس سود زد تا بتواند بدین‌وسیله ذخیره پولی‌اش را در بانک دولتی این کشور صحنه‌سازی کرده و به آن ببالد. دموکراسی و علم‌کردهای این رژیم بعدها زراعت و صنعت را از پا در آورد، که بدین‌وسیله پاکستان بیشتر از پیش بر واردات خارجی وابسته شد و فشار سنگینی بر ذخایر ارز خارجی وارد کرد.

بنابر این، رژیم فعلی پاکستان مانند رژیم‌های مشرف و زرداری، بخاطر منافع خود، این کشور را در بدهی‌های مبتنی بر سود غرق می‌کند تا خیال برنده شدن در انتخابات را تنها با قرض‌گیری‌های از عملکرد اقتصادی بهبود بخشد. با پرداخت سود، نه تنها که این رژیم خود را در گودال معصیت فرو می‌برد، بلکه سود یگانه دلیلی است که پاکستان همانند سایر کشورهای بدهکار، وام‌های زیادی را پرداخت کرده است؛ ولی با آن‌هم پیوسته در گرو وام‌های بزرگی قرار گرفته است.

این است نتیجه مشروعیت دادن دموکراسی در خصوص قرارداد با استعمارگرانی که این کشور را درگیر اعتیاد وام‌های فعلی قرار داده است. وب وام‌های مبتنی بر منافع استعمارگران، یک میکانیزم عمدی استعمارگراییه برای جایگزین ساختن استعمار رسمی نظامی همراه با استعمار اقتصادی و سیاسی بطور پوشیده می‌باشد. استعمارگران، چپ امریکایی و چپ چینیایی، هردو به حکام فاسد پیوسته همکاری می‌نمایند تا این کشورها را در گیرودار وام‌های بیش از حد برای پروژه‌های مانند CPEC قرار دهند تا سرمایه‌داران استعمارگر از آن بهره‌مند شوند؛ در حالی که آن‌ها تحت شرایط این‌گونه وام‌ها اقتصاد محلی را از بین می‌برند.

بنابر این، با هزینه‌های زیادی برای پاکستان، حکام پاکستان با بادران خود همکاری نمودند تا مشتریان درازمدت را برای صنعت بانکداری استعماری آن‌ها جذب نمایند و در کنار آن، مشاغل مشاوره استعماری، شرکت‌ها برای پروژه‌های تأیید شده قرض، روابط مستقیم استعماری با سیاسیون و بروکرات‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها در این خصوص، اهرم اقتصادی و سیاسی از طریق حمایت از بدهی‌ها، افزایش مالکیت استعماری منابع عظیم پاکستان و افزایش تسلط استعماری بازارهای پاکستان را برای بادران استعمارگر خود فراهم کنند. شکی نیست که دموکراسی هرگز اجازه نخواهد داد تا پاکستان از گودال این‌گونه وام‌ها یا وابستگی به این وام‌ها، چه تحت حاکمیت حکام فعلی و چه حکام بعدی، فرار کند. لذا چرا باید ما دوباره لذت تلخی دموکراسی را بچشیم و توسط دموکراسی از یک سوراخ دوبار گزیده شویم؟ چیزی جز تطبیق همه‌جانبه اسلام در چهارچوب خلافت واقعی برمنهج نبوت، توانائی شکستن کاسه گدائی پاکستان را نخواهد داشت؛ زیرا این اسلام است که دولت را مجبور می‌سازد تا عواید و مصارف را بر اساس قرآن و سنت تنظیم نماید و این یگانه راه‌حل واقعی برای مدیریت مالی دولتی است.

این خلافت اسلامی است که کاسه گدایی را واقعاً می‌شکند. خلافت است که دولت‌های را که در گرو بدهی‌ها جا مانده‌اند، وادار می‌سازد تا از پرداخت دوباره قرضه‌ها به سازمان‌های مالی استعماری، که در اصل بدهی‌های‌شان را برای این سازمان‌ها پرداخته‌اند، ولی استعمارگران به خاطر حفظ منافع خود آن‌ها را هنوزهم در گرداب بدهی‌ها قرار داده‌اند، دست‌بردار شوند و هرگز به استعمارگران پول ندهند تا آن‌ها منافع خبیث‌شان را تأمین کنند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ۗ﴾

[بقره: ۲۷۵]

ترجمه: آن‌ها می‌گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (تفاوتی میان آن دو نیست)؛ در حالی که الله (سبحانه و تعالی) بیع را حلال نموده و ربا را حرام گردانیده است.

الله سبحانه و تعالی هرنوع توافق و معامله با کفار استعمارگر حربی را ممنوع قرار داده است و جلوگیری از سلطه آن‌ها بالای ما، وجیهه‌ای است که بر گردن همه ماست؛ زیرا الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

[نساء: ۱۴۱]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) هرگز کفار را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

خلافت اسلامی به مالکیت خصوصی خارجی و محلی ذخایر انرژی و معدنی سرشار پاکستان، که ارزش صدها میلیارد دالر را دارد، پایان خواهد داد. اسلام همه‌ای این داشته‌ها را به عنوان اموال عمومی منصوب کرده است؛ زیرا مزایای آن تماماً برای نیازمندی‌های ما به مصرف می‌رسد. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثِ الْمَاءِ وَالْكَأَلِ وَالنَّارِ»

(رواه احمد)

ترجمه: مسلمانان در سه چیز آب، چراگاه و آتش (انرژی) شریک می‌باشند.

خلافت اسلامی از طریق لغو شرکت‌های سهامی مشترک سرمایه‌داری، به مالکیت خصوصی شرکت‌های متمرکز سرمایه از قبیل: صنایع سنگین، ساخت و ساز بزرگ و حمل و نقل و ارتباطات پایان خواهد داد و بجای آن، به تطبیق قوانین بی‌نظیر اسلام در خصوص شرکت‌ها خواهد پرداخت، که از یک سو، مالکیت خصوصی شرکت‌های متمرکز سرمایه را محدود می‌سازد و از سوی دیگر، به دولت اجازه می‌دهد تا سکتورهای بزرگ را تحت سلطه خود قرار دهد؛ بطوری‌که بتواند به گونه‌ی بهتری آن از امور مردم مراقبت نموده و از دست به دست شدن ثروت به دست چند نفر محدود جلوگیری نماید. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾

[حشر: ۷]

ترجمه: تا (این اموال عظیم) در میان ثروت‌مندان شما دست به دست نگردد.

فلهذا خلافت واقعی نه تنها این‌که از نیازمندی برای قرضه‌های استعماری جلوگیری می‌نماید؛ بل بر وضع مالیات کمرشکن بالای نیازهای ما-که شریعت اسلامی در هر حالتی آن را ممنوع قرار داده است- پایان خواهد داد. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ صَاحِبُ مَكْسٍ»

(رواه احمد)

ترجمه: داخل نمی شود در جنت، جمع کننده مالیات نامشروع.

از این رو، اکنون بهترین فرصت آن فرا رسیده است که ما به تأسیس دوباره خلافت راشدۀ ثانی برمنهج نبوت مبادرت ورزیم تا مردم ما بتوانند بطور کلی از مزایای منابع ما در روشنائی اسلام بهره مند شوند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه پاکستان

شمارۀ صدور: PR۱۸۰۲۳

۱۲ رجب ۱۴۳۹ھ-ق

۳۰ مارچ ۲۰۱۸م

مترجم: حذیفه مستمر